نویسنده: گرامی یاد احمد قاسمی ــ بازتایپ و ارسال: همایون اوریا

۱۵ اکتوبر ۲۰۲۲

جامعه شناسی

(۱۳)

۲۳ـ الف: نظر کلی به دورهٔ فئودالیته تا آخر قرن ۱۳

سرمایه از تجارت به وجود آمد: هیچ شک نیست که نطفهٔ سرمایه داری از همان قرن ۱۲ بسته شد و تجارت، یعنی تجارتی که در مدت طویلی به عمل آمد، تولید ثروت کرد، حکایتی از شخصی به نام گودریگ دوفنگال تعریف می کنند، دلیل بر همین است که تجارت و سرمایه با هم پیدا شدند، و این حکایت ضمناً روحیهٔ سرمایه داران تمام دوره ها را مشخص می کند :

گودریک دوفنگال در اواخر قرن ۱۱ در خانوادهٔ فقیر دهاتی به دنیا آمد و چون مجبور شد که زمین پدری خودش را ترک کند، ناچار تمام هوش خودش را برای معاش به کار انداخت و مثل بسیاری از بیچاره ها در کنار دریا می گشت و از جمع آوری چیز هائی که دریا به ساحل می انداخت، زندگانی می کرد. در آن موقع هم خیلی اتفاق می افتاد که کشتی ها غرق بشوند، طوفان هم باقی مانده های آنها را به ساحل می رسانید. اتفاقاً یک روز آن چه از دریا به دست گودریک دوفنگال افتاد، به او امکان داد که یک بقچه ببندد و مثل طواف ها دور بیفتد و از این راه یک مبلغ جزئی پول در بیاورد. در همین موقع فرصت به دستش آمد که با یک دسته از تجار همسفر بشود و در این سفر توانست نفع زیادی به دست بیاورد و با کمپنی های تجار شرکت کند، شرکت مذکور خیلی خوب موفق شد و سرمایهٔ بزرگی به گودریک و همکارانش داد.

این سرگذشت گودریک در حقیقت نظیر سرگذشت بسیاری از اشخاص دیگر است. در دوره ای که قحطی های محلی خیلی اتفاق می افتاد، به آسانی ممکن بود که کسی مقدار خیلی کمی گندم در جا هائی که فراوان بود، خریداری کرده به محل قحطی ببرد و به بهای بسیار گرانی فروخته، نفع زیادی به دست بیاورد و این عمل را تکرار کند. از این جهت احتکار که منشاء این نوع کار هاست، در ایجاد اولین ثروت های تجارتی خیلی دخیل بوده است.

به این طریق می توانیم روحیهٔ شخصی سرمایه دار را خیلی خوب بشناسیم. صفات مشخصهٔ یک نفر سرمایه دار این است که روی حساب کار می کند و یگانه هدفش این است که منافع را روی هم بخواباند.

سود تجارتی برای خرید اراضی به کار می رود ــ تاجر هائی که به این طریق سود های زیاد به دست می آورند، زمین را بهترین محل برای استفاده از این سود می دیدند. از این جهت در طی قرون ۱۲ و ۱۳ قسمت عمدهٔ اراضی شهر ها را خریدند، و چون جمعیت شهر ها زیاد می شد و به روی زمین های آنها خانه بنا می کردند، به قدری نفع از این راه

بردند که بسیاری از آنها از نیمهٔ دوم قرن ۱۳ از تجارت صرف نظر کردند و فقط از عاید زمین های خود شان امرار معاش می نمودند. به این طریق می بینیم که اگر چه زمین منشاء سرمایهٔ متحرک است، ولی این سرمایهٔ متحرک بود که بورژوا ها را مالک اراضی گردانید.

در این دوره بیشتر کالا های تجارتی عبارت از محصولات طبیعی بود: اگر کالا هائی را که در این دوره با آنها تجارت می کردند، در نظر بگیریم، می بینیم که محصولات طبیعی مانند ادویه، شراب، گندم، نمک، ماهی و پشم خیلی بیشتر از محصولات صنعتی است.

تقریباً تمام انواع صنعت از قبیل کفش، لباس و افزار در حدود شهر ها باقی مانده بود، به این معنی که سازندگان این لوازم آنها را انحصار کرده بودند و جز در بازار های محلی به فروش نمی رساندند. از این جهت کالا هائی که رواج تجارتی داشتند؛ غالباً عبارت بودند از محصولات طبیعی ـ البته در همین دوره، تجارت ماهوت یکی از تجارت های بزرگ بود، اما این گونه تجارت های محصولات تجارتی را باید استثنائی محسوب داشت.

صنعت فلزکاری و معادن ـ در بعضی جا ها صنعت فلزکاری توسعه پیدا کرده و وارد تجارت عمومی شد، ولی به طور کلی باید گفت که توسعهٔ این صنعت در قرون وسطی خیلی کم و ناقص بود و همین موضوع است که اقتصاد قرون وسطی را از اقتصاد دورهٔ جدید متمایز می کند. استخراج زغال سنگ هم به همین درجه ناقص بود.

انحصار حرفه ها ـ کورپوراسیون ـ از قرن یازدهم به بعد هر پیشه ای دارای یک دستهٔ مخصوص از پیشه وران گردید که کورپوراسیون نامیده می شد ـ هر دسته حق داشت که پیشهٔ خود را مخصوص کسانی سازد که عضویت آن دسته را داشتند. این دسته ها دارای حقوقی بودند که به کلی با آزادی صنعت منافات داشت و اساس آنها، بر انحصار، عبارت از این بود که از صنعت خود شان حمایت کنند و آن را از هر گونه رقابت داخلی و خارجی محفوظ بدارند.

این کورپوراسیون ها بازار شهر را به روی محصولات خارجی می بستند و ضمناً مراقبت داشتند که هیچ یک از اعضای ک,رپوراسیون به زیان اعضای دیگر پولدار نشود. از این جهت ک,رپوراسیون مقرراتی برای همهٔ اعضای خود داشتند، مثلاً مبلغ... و دستمزد و عدهٔ ساعات کار و عدهٔ افزار ها و عدهٔ کارگرانی را که باید هر کارگاه داشته باشدT معین می کردند. هر گونه رکلام را قدغن می نمودند تا با این طریق هیچ یک از اعضای کورپوراسیون از دیگری جلو نیفتند و حتی المقدور مساوات میان آنها برقرار باشد.

حقوق و امتیازات هر کورپوراسیون که او را از رقابت محفوظ می داشت، باعث شد که قوهٔ ابتکار از میان برود، زیرا که هیچ کس حق نداشت جنس خودش را زود تر یا ارزان تر از دیگران تهیه بکند و به این طریق به آنها ضرر بزند. منظور اصلی این کورپوراسیون ها این بود که صنعت را در همان وضعی که داشت نگاه دارد تا وضع افراد هم ثابت بماند.

مقررات کورپوراسیون ها یک جنبهٔ دیگر هم داشت و آن حمایت مصرف کننده بود، به این معنی که نوع محصولات از طرف کورپوراسیون بازبینی می شد تا از مرغوبیت نیفتد، و مجازات های شدیدی برای حقه بازی و جعل مقرر داشته بودند.

این کورپوراسیون ها که پیشه وران از اواخر قرن ۱۱ به تشکیل آنها شروع کردند، در اول هیچ جنبهٔ قانونی نداشت و پیشه ورانی را که جزو کورپوراسیون نبودند، فقط در اثر بایکوت (قدغن کردن مصنوعات آنها) می توانستند به ورود در کورپوراسیون مجبور بکنند، اما کم کم کورپوراسیون ها قوت پیدا کردند و بالاخره قانون مجبور شد اختیارات آنها را به رسمیت بشناسد.

وضعیت کارگران و پاترن ها ـ زندگانی کارگرانی که در شهر های صنعتی در کارگاه ها به سر می بردند (آنها را نباید با پیشه وران اشتباه کرد) پیوسته دستخوش بحران و بیکاری بود. همین که مواد اولیه در اثر جنگ و یا در اثر منع ورود آنها قطع می شد، کارگاه ها از کار می ایستاد و دسته های کارگران بیکار در کوچه ها ویلان می شدند و یا در دهات در پی گدائی می افتادند.

در دوره هائی که این بحران ها نبود، وضعیت صاحبان و یا اجاره داران کارگاه ها رضایت بخش بود، اما خود کارگر ها غالباً در کوچه های تنگ و کثیف در اتاق هائی که هفتگی کرایه می کردند، به سر می بردند و هیچ مالی غیر از لباس های شان نداشتند. این کارگر ها از شهری به شهر دیگر می رفتند و در نزد ارباب ها (پاترن ها) اجیر می شدند، صبح دوشنبه که می شد، این بیچاره ها در میدان های عمومی در اطراف کلیسا ها چشم به راه اربابی بودند که آنها را تا مدت هشت روز اجیر بکند.

روز کار از سر صبح شروع می شد و پایان آن آخر روز بود. پرداخت در آخر روز شنبه به عمل می آمد و با آنکه مقررات شهر دستور می داد که پرداخت با پول نقره به عمل بیاید، ارباب ها در موقع پرداخت خیلی سوء استفاده می کردند.

به این طریق، کارگران صنایع بزرگ در میان سائر پیشه ور ها تشکیل طبقه ای می دادند که تا حدی شبیه به طبقهٔ پرولتاریای امروز بود. این کارگر ها با " ناخن های آبی "، با لباس و با خشونتی که در رفتار و گفتار داشتند، شناخته می شدند ؛ هیچ کس از این که با این بیچاره ها به درستی رفتار کند، ابائی نداشت، زیرا که می دانست که اگر یکی از آنها را بیرون کند، جای او مدت مدیدی خالی نخواهد ماند. از این جهت جای تعجب نیست اگر می بینیم که کارگر ها از همان اواسط قرن سیزدهم به برپا کردن اعتصاب دست زدند. قدیم ترین اعتصابی که ما می شناسیم، اعتصابی است که در سال ۱۳۴۶ در شهر دوئه (از شهر های شمال غربی فرانسه) اتفاق افتاد. در سال ۱۲۷۴ کارگران پارچه بافی شهر گان (واقع در شمالغربی بلژیک) از اعتصاب هم بالا رفته، دسته جمعی از شهر خارج و به طرف پایتخت بلژیک روان شدند، ولی مردم شهرستان ها از عمل آنها آگاه شده راه را بر آنها بستند. از این جهت در هالند و بلژیک از ۱۳۴۲ قرارداد هائی میان بعضی از شهر ها بسته شد مبنی بر این که کارگران مظنون و توطئه انگیز را به یکدیگر مسترد کنند، هر وقت کارگران در صدد نافرمانی بر می آمدند، آنها را تبعید می کردند یا می کشتند.

کارگرانی که در کارگاه های این دوره کار می کردند، با مزدوران عصر ما چند فرق اساسی داشتند:

۱ - این کارگر ها به جای این که در کارخانه های بزرگ در پهلوی هم کار کنند، در کارگاه های کوچک پراکنده بودند.

۲ - ارباب (پاترن) که صاحب و یا ـ به طوری که غالباً اتفاق می افتاد ـ اجاره دار افزار های کار بود، اصولاً خودش هم کارگر بود و به حساب یک نفر تاجر سرمایه دار کار می کرد، و حال آنکه کارخانه داران امروز خود شان به هیچ وجه کارگر نیستند و در کار شرکت نمی کنند.

چون رؤسای شهر از میان بورژوا ها انتخاب می شدند، در حقیقت مرجع مطمئنی که حقوق کارگران را حفظ نماید، وجود نداشت. مدرکی که در دست است؛ کاملاً نشان می دهد که استثمار کارگران صنایع بزرگ در آغاز قرن چهاردهم تا چه درجه می رسیده است. کارفرما ها بر روی پاترن ها و پاترن ها به نوبهٔ خود بر روی کارگران بیچاره فشار می آوردند.

ادامه دارد